

محمد داوری- کارشناس ارشد نظام آموزشی: سالِ سختِ تحصیلی

کارشناسان یک روز مانده به بازگشایی مدارس، از عدم برنامه ریزی برای رفع چالش های نظام آموزشی و فرصت های حضور در مدرسه می گویند و امیدهای سال تحصیلی جدید

گروه اجتماعی

دوم مهرماه انتظارها به سر می رسد و سال تحصیلی جدید آغاز می شود؛ سالی که قرار است آموزش به طور کامل حضوری باشد اما نظام آموزشی با گذر از تعطیلی دوساله کلاسهای درس و آموزش از راه دور، به شکلی عیان تر با چالش هایی دست به گریبان خواهد بود که اگرچه مسیوق به سابقه است، اما این چالش ها هم اکنون بیش از گذشته چهره خود را نمایان کرده اند. در ایام گستردگی شیوع کرونا، به کمبودها و کاستی ها با دیده اغماض نگریسته شد و طبیعتاً برای رفع آنها چاره اندیشی نشد. دو سال است که فهرستی بلند بالا از مشکلات روی هم تلنبار شده اند، از کمبود معلم تا افت شدید تحصیلی و بازماندگی گروهی از دانش آموزان از چرخه آموزش و یا بی عدالتی و توزیع نابرابر امکانات آموزشی و بی میلی به انجام تکالیف درسی و کاهش نظم و مقررات انضباط کلاسی که شدت بروز هر یک از این موارد با سالیان قبل توفیر دارد. به این دلیل که در دو سال گذشته، تمرکز مسئولان نظام آموزشی معطوف بر این بود که دانش آموزان از جریان حداقلی آموزش بازمانند، بنابراین انبوهی از مطالبات و مشکلات بر شانه های نظام آموزشی سنگینی می کند.

با همه این اوصاف، سال تحصیلی جدید نقاط روشن و امیدبخشی هم دارد، اینکه تجربه های جدیدی را به دست آورده ایم و جهان قبل از کرونا و بعد از آن تغییرات زیادی کرده و فرصتی برای ما فراهم آورده تا از مسیر آموزش به شیوه سنتی فاصله بگیریم. آموزش برخط تغییری برآمده از بحران است و اگر بخواهیم خردمندانه به این موضوع نگاه کنیم، آموزش مجازی می تواند به عنوان یک مکمل اثربخش باشد و در این راستا کسب سواد رسانه ای و مهارت های کار با تجهیزات الکترونیکی اهمیتی مضاعف دارد.

تحلیلگران ارشد نظام آموزشی و پژوهشگرانی که در این حوزه صاحب نظرند، بیم و امیدهای سال تحصیلی جدید را به رشته تحریر درآورده اند که در ادامه می خوانید.

مجید علیپور- مدیر مدرسه: امید به احیای مدرسه

مدارس کشور بعد از نزدیک به دو سال تعطیلی علنی یا غیرعلنی، از شنبه آینده به صورت رسمی بازگشایی می شوند درحالی که دیگر خبری از ترس و هراس جمعی مردم و مسئولان از پیامدهای گسترش کرونا مشاهده نمی شود.

به عبارت بهتر اگر پیش از این «رعایت پروتکل های بهداشتی» و ذکر مصداق های آن از پربسامدترین کلمات در مصاحبه های مسئولان و یا محاورات روزانه خانواده ها بود، اکنون و با آشنایی قابل قبول توده های مردم با ساز و کارهای کنترل بیماری کرونا و شیوه های رفتار در مقابل گسترش آن؛ خانواده ها، دانش آموزان و معلمان با حداقلی از نگرانی به استقبال سال تحصیلی جدید می روند. این ادعا را می توان با مراجعه به جنب و جوش های بازار لباس و نوشت افزار مدرسه، راه اندازی مجدد سرویس مدارس، برنامه ریزی های درسی و هفتگی در سطح مدارس و ... به خوبی اثبات کرد. اما هرچند یک یک موارد گفته شده نشان از بازگشت قطعی جامعه به زندگانی عادی است اما این بازگشت همراه با پرسش ها، ابهامات و چالش هایی برای نظام آموزش و پرورش است که جا دارد نسبت به تبیین دقیق و حل آنها بیندیشیم.

کرونا علاوه بر همه مصائبی که آفرید؛ تاثیر قابل ملاحظه ای در شیوه ها و کیفیت آموزش در مدارس گذاشت و در عین حال نقص ها و ضعف هایی را به رخ کشید که جا دارد از خود بپرسیم آیا با گذار از وضعیت کرونایی و بازگشت به زندگانی عادی؛ همه آن تغییرات و شواهد اثبات مشکلات نظام آموزشی، در همه بوروکراسی گسترده اداری، از نو به فراموشی سپرده نخواهند شد؟ مشهود ترین تغییری که در شیوه های آموزش در دوره کرونایی اتفاق افتاد، آشنایی و استفاده گسترده معلمان از ظرفیت فضای مجازی برای تدریس و برقراری ارتباط با دانش آموزان و خانواده ها بود. «شاد» که آموزش و پرورش اصرار داشت آن را مهمترین دستاورد خود در دوره کرونا بداند (هرچند با ارتقای که در نسخه های بعدی پیدا کرد، از میزان قابل قبولی از رضایتمندی دانش آموزان و معلمان برخوردار شد) اما اکنون در وضعیتی قرار دارد که به نظر می رسد بناست به کلی رها و بایگانی شود و یا نهایتا کارکردی در حد یک پیام رسان سازمانی داشته باشد. به عبارتی از مجموعه دستورالعمل های اداری و مشاهدات چنین برمی آید که همه عوامل (از دانش آموز و معلم در کف مدرسه گرفته تا عالی ترین سطوح سیاست گذاری در آموزش و پرورش) تصمیم دارند به شیوه های قدیمی و سنتی آموزش رجعت کنند و کاری به «شاد» و یا سایر برنامه های کمک آموزشی مشابه نداشته باشند!

از دست رفتن نظم مدرسه از دیگر پیامدهای تعطیلی طولانی مدت و بازگشایی های کج دار و مریز آن در این دو سال بود. شاید از منطقی بتوانیم ترک برداشتن نظم سنتی، سست شدن پایه های ساختار بوروکراتیک و مدیریت از بالا به پایین در مدرسه و جایگزینی آن با مدیریت شبکه ای و اقتضایی کلاس های درس (به گونه ای که برخی از کلاس های مجازی در ساعات پایانی شب برگزار می شد) را از نتایج مثبت آن وضعیت بدانیم؛ اما به نظر می رسد پیامدهای زیانبار از دست رفتن نظم مدارس، از آورده ها و فواید آن به مراتب بیشتر است. دلیل این ادعا هم افت مشهود کیفیت آموزش و از آن مهمتر ترک تحصیل گسترده اما غیررسمی تعداد قابل توجهی از دانش آموزان به ویژه دانش آموزان مناطق و طبقات محروم است. بی نظمی غیرقابل اجتناب در ورود و خروج به مدرسه و به ویژه کلاس های مجازی درس، مشکلات برگزاری کلاس در فضای مجازی، محرومیت تعداد زیادی از دانش آموزان از دسترسی به امکانات لازم برای حضور در کلاس های مجازی، روز افزون شدن مشکلات اقتصادی و معیشتی و ... باعث ظهور معضلات و چالش هایی نو در حوزه ای گسترده از عدالت آموزشی گرفته تا آسیب های اجتماعی شد که ممکن است غلبه بر آنها در کوتاه مدت آسان نباشد و چه بسا تا مدت های طولانی ما را درگیر خود نگاه دارد.

در ابتدای ظهور و گسترش کرونا که از جامعه پزشکی گرفته تا توده های مردم نسبت به چگونگی مواجهه با آن دچار تردید و ترس گسترده ای بودند؛ ادارات و نهادهای مختلف با حداقلی از نیروی انسانی (یک سوم) به تداوم خدمت رسانی مشغول شدند. اما نکته ای که گویا دیده نشد همین بود که قریب به اتفاق این سازمان ها و نهادها با همان یک سوم نیرو نیز قادر به رتق و فتق امور خود بودند و عملاً دو سوم نیروهای موجود در آنها تاثیر قابل ذکری در کیفیت کار آن دستگاه نداشتند. با توجه به اینکه آموزش و پرورش سال هاست با بحران کمبود نیرو در مدارس و خالی ماندن کلاس های درس از معلم مواجه است، جای طرح این پرسش است که چرا هیچ انگیزه و برنامه ای جهت کاستن از میزان نیروهای شاغل در ادارات و موسسات وابسته و تزریق آنها به «مدرسه» (به عنوان کانون اصلی فعالیت های آموزشی و تربیتی) وجود ندارد؟ از سوی دیگر میل گسترده به مهاجرت (انتقالی) معلمان از مناطق نا برخوردار به مناطق برخوردار همچنان بالاست و این موضوع دانش آموزان این مناطق را دچار محرومیت مضاعف می کند. آیا این انتظار زیادی است که با اجرای طرح ها و اعطای مشوق هایی، این روند را معکوس و شاهد افزایش تقاضا برای حضور در مناطق محروم و نا برخوردار باشیم؟

عشق، تعهد و همراهی که معلمان در دوره کرونایی از خود نشان دادند

و احساس نیازی که جامعه نسبت به کارآیی و کارآمدی مدرسه احساس کرد، این امید را ایجاد کرده است که مدرسه در مقام یک «نهاد» می تواند احیا شود. یکی از دغدغه ها و پرسش هایی که نگارنده در ایام تعطیلی مدارس داشت این بود که چرا بازگشایی مدارس به صورت یک مطالبه از سوی اولیای دانش آموزان مطرح نمی شود؟ وقتی تعطیلی دو سه روزه یک ناوایی و یا سرویس حمل و نقل، باعث بروز نارضایتی های مشهود و اعتراضات گسترده می شود، چطور هفته ها و ماه ها تعطیلی مدارس (حتی رشته هایی چون تجربی که حساسیت های دانش آموزان و اولیای آنها بسیار بالاتر است) کمترین واکنشی در پی ندارد؟ آیا جامعه نسبت به مدرسه احساس بی نیازی می کند و اگر آری، به چه علت یا علت هایی؟! پاسخ به آن پرسش ها هرچه باشد اکنون با اطمینان می توان گفت که جامعه بیش از پیش به اهمیت و کارآمدی نهاد مدرسه ایمان پیدا کرده و برای تداوم حیات آن خواهد کوشید. این بستری است که می تواند محل برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های مهمی برای حل چالش های مزمن آموزش و پرورش باشد.

حجت الله بنیادی- پژوهشگر نظام آموزشی: رخوت دانش آموزان برای بازگشت به کلاس درس

با گذر از روزهای تلخ و دشوار کرونایی، آموزش به شیوه حضوری نویدبخش اتفاقات خوب است اما سال تحصیلی جدید با مشکلاتی همراه است که اگرچه تازگی ندارد اما ابعاد و شدت بروز آن بیش از گذشته است. مسئله مهم تر و نگرانی شدیدتر کمبود معلم است و امسال به نظر می رسد شدت آن بیشتر هم باشد. آمارها دستکم از 200 هزار کمبود معلم حکایت دارد، که البته بخشی از این کمبود، پنهان است و اگرچه این موضوع با افزایش نسبت دانش آموز به معلم و افزایش تعداد دانش آموزان در هر کلاس قابل جبران است اما این وضعیت، زمینه ساز افت کیفیت آموزشی خواهد بود. بخش دیگری از این کمبود به ویژه در مناطق روستایی و دور افتاده به شکل نبود و کمبود معلم خودش را نشان می دهد. آموزش و پرورش برای حل این مسئله به دنبال پیاده سازی چند راهکار نادرست و دیرهنگام است، از جمله انتقال نیروی انسانی از سایر دستگاهها به آموزش و پرورش که این بخشنامه در 27 شهریورماه و در زمانی نامناسب ارسال شده، درحالی که می توانستند از مهرماه سال گذشته برای این مسئله برنامه ریزی کنند. استفاده از نیروهای بازنشسته نیز به عنوان راه حلی مطرح شده، اما با توجه به اینکه اغلب معلمان، انگیزه کافی برای استمرار خدمت ندارند، اگر اقدامات تشویقی به منظور تداوم خدمت نیروهای بازنشسته مورد توجه نباشد، این راهکار نیز اثربخش نیست و به ناچار مجبورند به طرح هایی نظیر خرید خدمات و سرباز معلم روی بیاورند که بازهم

تاخیر در چاره اندیشی این مسئله سبب خواهد شد کلاس های درس در بسیاری از مناطق، با گذشت یک ماه از آغاز سال تحصیلی معلمی نداشته باشند. بحث گذر از آموزش مجازی و دور ماندن دانش آموزان از فضای حقیقی مدرسه، مسئله مهم دیگری است که نباید از آن غافل شد. بسیاری از دروس، پیوستگی و ارتباط نزدیکی باهم دارند و با توجه به اینکه دانش آموزان به مدت طولانی در فضای مجازی تحصیل کرده اند، یادگیری عمیقی شکل نگرفته و آزمون ها نیز به صورت دقیق و درستی برگزار نشده است؛ پیش نیاز یادگیری بهتر دانش آموزان آن است که بر پایه های قبل مسلط باشند، اما قابل پیش بینی است که معلمان پس از سنجش و ارزیابی متوجه می شوند که دانش آموزان پایه های قبل را به خوبی نیاموخته اند و طبیعتاً باید برای جبران عقب ماندگی ها و ایرادات به آنها فرصت و اطمینان خاطر داد. از سوی دیگر، بهتر بود معلمان آموزش های لازم را دریافت می کردند تا در صورت نیاز، از موضع انفعال خارج شده و دروس پایه های قبل را تکرار کنند. بالطبع شرایط جدید اقتضائاتی دارد و باید خلاها و کاستی ها را جبران کرد و از آنجایی که مقدمات این امر فراهم نشده، سال تحصیلی جدید نگران کننده است.

دلواپسی و تشویش دیگری که باید به آن اشاره کرد، رخوت و سستی به ویژه در دانش آموزان است که متاثر از دوران کرونا هنوز برای حضور در کلاس درس آمادگی ندارند، حتی دانش آموزانی که چندین سال مدرسه را تجربه و دو سال به دلیل آموزش مجازی از این فضا دور بوده اند، برای بازگشت به مدرسه آماده نیستند و باید با ظرافت آنها را به محیط مدرسه و حضور در جمع و رعایت مقررات و نظم در کلاس درس عادت داد، دانش آموزانی هم که ورود آنها به عرصه آموزش با کرونا و تدریس مجازی مصادف شده، اساساً درکی از مدرسه و حضور در جمع ندارند و باید برای معلمانی که پایه های دوم و سوم ابتدایی را تدریس می کنند، دوره های مفصل و مناسبی برگزار کرد، تا به درستی این خلاء قابل مدیریت باشد. البته برای تحقق این مسئله دیر شده، اما می توان از دیدگاه کسانی که تجربه و مطالعات خوبی در این زمینه دارند، استفاده کرد. دستکم معلمان در گفت و گوی با یکدیگر، تجارب خود را به اشتراک بگذارند تا با دانش آموزانی که صرفاً از قاب مجازی آموزش دیده اند مواجه درستی صورت بگیرد.

موضوع مهم بعدی این است که آموزش مجازی، ظرفیت بسیار خوبی را در اختیار ما قرار داده، هرچند از این ظرفیت به طور کامل استفاده نشده است، اما باید همچنان در کنار آموزش حضوری مورد توجه باشد و در عین حال توانمندی و مهارت حرفه ای آموزگاران برای استفاده از این بستر، ارتقاء یابد، حال آنکه در شرایط فعلی و افول کرونا این

مسئله محقق نشده و تمام مسائل مورد اشاره موجب می شود که سال تحصیلی جدید را با اضطراب و تنش آغاز کنیم. نارضایتی های شغلی معلمان، به همراه عدم نشاط و شادابی دانش آموزان برای حضور در مدرسه، نشان دهنده بی برنامه گی آموزش و پرورش است و با اینکه از ماه ها قبل روشن بود که آموزش در سال تحصیلی جدید حضوری خواهد بود، اما آموزش و پرورش به بسیاری از چالش ها رسیدگی نکرده که به اعتقاد نگارنده این سطور، یکی از مهمترین مشکلات، پدیده بازماندگی از تحصیل است، موضوعی که از مصادیق ناعدالتی اجتماعی و آموزشی به شمار می رود. نهادهای بسیاری باید برای این مسئله چاره اندیشی کنند و لازم است نهادهای حمایتی با محوریت و مدیریت آموزش و پرورش، خانواده هایی که دانش آموز بازمانده از تحصیل دارند را شناسایی و بررسی کنند که چند درصد این معضل به مصائب معیشتی ارتباط دارد. آموزش و پرورش باید بازماندگی از آموزش را به عنوان یک زنگ خطر جدی برای ناعدالتی و بحران های اجتماعی تلقی کند. اینکه عده ای در کشور از حداقل امکانات تحصیلی محروم شوند، به این مفهوم است که آموزش و پرورش شرایط مطلوبی را برای دسترسی دانش آموزان به مدرسه فراهم نکرده است. اگرچه امنیت و اقتصاد مهم است اما در کنار این ها، آموزش و پرورش تکمیل کننده و زیربنای همه ی این ها است. چه بسا بخشی از ریشه های مسائل امنیتی ما را باید در آموزش و پرورش جستجو کرد. حال آنکه نظام آموزشی ما در سال تحصیلی جدید برای بازگرداندن 3 میلیون دانش آموز بازمانده از تحصیل کاری نکرده است، همانطور که برای ترغیب دانش آموزان و خانواده ها برای حضور در مدارس دولتی عادی و ارتقاء کیفیت آموزش در این مدارس اقدامی انجام نداده است! شنیده های ما در کمال تاثیر حکایت از آن دارد که اغلب خانواده ها دانش آموزان خود را برای سال تحصیلی جدید در مدارس غیردولتی ثبت نام کرده اند. بنابراین یکی دیگر از مهمترین چالش های ما این است که بخش عمده ای از والدین به آموزش و پرورش و مدارس دولتی بی اعتماد شده اند و گروهی از جامعه که توان پرداخت شهریه دارند، فرزندان خود را در مدارس خاص ثبت نام می کنند. یک سری از دستگاه های دولتی از دانشگاه ها تا حوزه های علمیه؛ مدارس غیردولتی خاص را برای فرزندان کارکنان خود تاسیس کرده اند که به نوعی کنش اعتراضی و نقدی به ظرفیت مدارس دولتی است و این رویه در حال گسترش است و روزه روز دامنه آن وسیع تر می شود، به گونه ای که والدین تمایل دارند فرزندان خود را یا در سیستم دولتی مدارس خاص و یا مدارس غیردولتی ثبت نام کنند و این خاص بودن و چندگانگی در اختیارات مدارس و روش های تربیتی سبب یک گسست

اجتماعی و ناعدالتی اجتماعی خواهد شد. این ناعدالتی در آموزش عمومی، با توجه به ناکارآمدی کنکور برای انتخاب شایسته ترین افراد در دوره تحصیلات تکمیلی، به شکل گسترده تری استمرار می یابد.

محمد داوری- کارشناس ارشد نظام آموزشی: سال سخت تحصیلی

آموزش حضوری را باید به فال نیک گرفت، اما این سال تحصیلی به دلیل عدم برنامه ریزی های لازم، با مشکلات و موانعی همراه است، از جمله مسئله سازگاری دانش آموزان و معلمان با محیط مدرسه پس از وقفه ای طولانی. در دو سال گذشته، ارتباط به شکل غیرحضوری بود و دانش آموزان تا حد زیادی به این شرایط عادت کردند. بحث دیگر، چالش آمادگی سخت افزاری مدارس است که در دوران اوج گیری امواج کرونا این مسئله به کلی رها شد و یا موضوع کیفیت آموزش که بزرگترین نگرانی کارشناسان به شمار می رود و باید زمان زیادی صرف کرد تا حداقل این کیفیت به شرایط قبل از کرونا برگردد. به طور کلی کیفیت پاشنه آشیل نظام آموزشی ماست و کرونا این وضعیت را تشدید کرده و بازگشت به شرایط گذشته زمانبر است. اما در بحث کیفیت آموزشی میان مقاطع و پایه های مختلف تحصیلی تفاوت آشکاری وجود دارد و بیشترین آسیب متوجه پایه های ابتدایی بوده است، درکنار این مسئله، مشکلات همیشگی آموزش و پرورش هم به قوت خود باقیست و بی تردید سال تحصیلی جدید، سال سختی برای آموزش و پرورش، مدارس و خانواده ها خواهد بود. حدود 15 میلیون دانش آموز و 30 میلیون والدین به همراه عوامل و کارکنان آموزش و پرورش جمعیتی در حدود 45 تا 50 میلیون را تشکیل می دهند که درگیر چالش سازگاری با آموزش حضوری پس از سکون و توقفی دو ساله اند، اما به فاصله یک روز مانده به بازگشایی مدارس، موازین و دستورالعمل هایی که والدین و دانش آموزان باید رعایت کنند، اطلاع رسانی نشده و مدارس همچنان فاقد برنامه و آمادگی لازم اند و هیچ برنامه مشخصی هم از سوی آموزش و پرورش ارائه نشده است. به نظر می رسد نه تنها چالش های پیشین مدیریت نشده، بلکه تشدید شده است و حتی مشکلات تازه ای نیز پدید آمده؛ به طوری که هنوز دانش آموزان پسر برای ورود به مدرسه، موی سر خود را اصلاح نکرده اند و یا دانش آموزان دختر و پسر تمایل ندارند پوشش ظاهری شان را متناسب با شرایط مدرسه تغییر دهند و خواب دیر هنگام در شب و تاخیر بیداری در صبح از اثرات آموزش مجازی و دوری از کلاس درس است و نشان می دهد محصلان برای سازگاری با شرایط جدید آمادگی ندارند. بی تردید مدارس و خانواده ها تا مدتها بر سر این مسائل با دانش آموزان دچار چالش خواهند بود.

اما سوای این کاستی ها و مشکلات، باید از بازگشایی مدارس به شکل

حضور خرسند و شادمان بود. آموزش مجازی نمی تواند جایگزین آموزش حضوری باشد، چراکه در پیشرفته ترین کشورها نیز صرفاً به عنوان آموزش مکمل تلقی می شود. اما در عین حال ظرفیت ها و دستاوردهای آموزش غیرحضوری را باید حفظ کرد و همچنان استفاده از نرم افزارها و تولید محتوا و ارتباط معلمان با دانش آموزان به صورت مجازی می تواند مکمل آموزش حضوری باشد و یا در اقدامات پژوهشی و تحقیقی و فعالیت های دانش آموزی مورد استفاده قرار گیرد.

منبع: روزنامه رسالت 31 شهریور 1401 خورشیدی